

دوم پطرس فصل 3 ، ایه 3 تا 13

همیشه در هفته آخر سال کلیسایی سرودهایی با مضمون خاصی سروده می شود که در آن از سایه افکنی مرگ بر روی زندگی امروزی مان عنوان می شود. در این سرودها واژه های مرگ و زندگی به راحتی در کنار هم آمده اند. همه ما این را می دانیم که مرگ هولناک ترین واقعی است که در زندگی مان رخ می دهد. برادر و خواهرهای گرامی همه ما با این حقیقت تلخ آشنا هستیم که زمانی یک فرد دوست داشتنی از بین مان می رود و مرگ چهره خود را نمایان می سازد در وجودمان ترس و بیم ملموسی پدیدار می گردد. چراکه این اتفاق در آینده نچندان دور نیز برای مان رقم خواهد خورد. ولی در یک جایی ندای امیدی به گوش می رسد. بلی این همان محبت خدا است که تا ابد باقی خواهند ماند و او همانند یک دوست وفادار ما را هیچ وقت به دست مرگ نمی سپارد.

موضع امروز ما درباره امیدی صحبت می کند که همیشه مورد انحانت قرار گرفته است. از زمان های گذشته تا به امروز انسان های بی خدایی وجود داشتند که به مسیحیان با تمسخر می گفتند: چرا شما هیچ نشانه ای از محبت خدا ندارید؟ چرا شما با وجود داشتن زندگی جاویدان بازهم می میرید؟ و چرا هنوز روز موعود مسیح نیامده است؟ ما هر کدام با این تعنه ها آشنایی کامل داریم. ولی با همه این تفاسیر ما به زندگی جاویدان خود کماکان امید راسخ داریم. و اگر چرا تا الان در زندگی جاویدان راه پیدا نکرده ایم، برای آن است که آن برای مان خواسته نشده است.

اولین پاسخی که موضع امروز در این باره به ما می دهد این است که، زمان در نزد ما انسان ها و خدا به طور متفاوتی طی می گردد. برای خداوند یک روز همانند هزار سال و یا هزار سال همانند یک روز می گذرد. از اینرو به ما این نیرو را می دهد که ما صبر و شکیبایی بخصوصی بخرج بدهیم. به خاطر اینکه روز موعود مسیح به طور ناگهان خواهد آمد. خیلی از ما ها برای رسیدن این روز به طرق متفاوتی خودمان را آماده می کنیم و هر روز روش های گوناگونی را امتحان می کنیم. ولی این را باید به خاطر بسپاریم که هر روزمان بایستی همانند روز آمدن مسیح باشد. در اینجا من بایستی مثال بارز آن 10 زن را برای شما تعریف بکنم که در آن زمان 5 نفر از آن خانم ها با امید فراوان و چراغ های پر از نفت در هر لحظه منتظر آمدن عیسی بودند ولی 5 نفر دیگر از آنها نه صبر و نه اشتیاقی و نه نفت کافی برای چراغ شان داشتند. نکته قابل توجه ای که در این مثال وجود دارد این است که ما مسیحیان امروزی همانند آن 10 زن هستیم که برخی از ماها به خواب رفته ایم و برخی هوشیار هستیم. در اینجا از عنوان نفت کافی برای انتظار کشیدن عیسی گفته شده است که همان کلام خدا می باشد. وقتی که من زندگی و مرگ خودم را در این دنیا تصور می کنم به این حقیقت پی خواهم برد که آن روزی اتفاق خواهد افتاد و برای همین باعث یأس و نا امیدی من می شود. ولی خدا ما را تنها نمی گذارد و کلام خودش را در این راه برایمان قرار می دهد.

در نامه پطرس فقط این امر خواسته نشده است که صبر داشته باشیم بلکه توجه بیشتر به آن بکنیم که صبر خداوند از ما بیشتر است. او هیچ وقت دوست ندارد که بندگان را از دست بدهد و برای همین همه را به توبه کردن فرا می خواند. آیا این جمله ها تصویر گویایی را برایمان تداعی نمی کنند؟ خدا نمی خواهد که مرگ ابدی فرزندان را ببیند و آنها را از دست بدهد. پدر مان عیسی مسیح از برگشتن مسیحیان از گناه به سمت توبه خیلی خوشنود می شود. در این راه عیسی به ما کلام خودش را که همان سوخت چراغ می باشد را در اختیار ما قرار می دهد تا ما هم جزئی از خشنودی و صبر خداوند مان باشیم تا روزی که همدیگر را در روز موعود دیدار کنیم. در این راه هرچه ما بیشتر با کلام خدا در ارتباط باشیم باعث صبوری بیشتر در بین همدیگر برای فرا رسیدن روز آخر می شود.

وقتی که خدا همانطور که در انجیل گفته، می خواهد مرا نجات دهد، چه کسی می تواند جلوی این کار را بگیرد؟ بدین ترتیب ما می توانیم برخلاف تمام همه نا امیدی ها ایمان و امیدواری داشته باشیم. حال این امیدواری مطلق چگونه بوجود می آید؟

ای برادر و خواهرهای من ؛ همه اینها فقط از طریق کلام و خود عیسی میسر است که در او کلمه به یک پیکر جاودان یعنی عیسی تبدیل گشت. عیسی همیشه امید و ایمان را بین ما همانند تکه های نان تقسیم می کند. نا امیدی و مرگ ما برای عیسی یک امر بی تفاوتی نیست برای همین او هزینه مرگ همه ما را با خون خودش پرداخت کرد. عیسی پس از مرگش برای همیشه نمرد بلکه او رستاخیز کرد برای همین هم ما به ان ایمان داریم که در زندگی بعد از مرگمان دوباره رستاخیز می شویم. اعتقاد ما هیچ گاه کورکورانه نیست بلکه ما توسط عیسی هزاران دلیل برای ایمان داشتن به خدا داریم.

تا اینجا که موعظه امروز گفته شد بیانگر این است که ما منتظر روز موعود و بهشت و عدالت ناب او هستیم.

با این تصور ما متوجه می شویم که خدا می خواهد زندگی مان را تغییر دهد و همه این ها نباید همینطور که هستند باقی بمانند که این خود باعث امیدواری در قلب مان می شود که ما را از مرگ جدا می سازد.

حال اگر دوباره این نا امیدی به سراغ مان آمد چه کار می توانیم بکنیم؟ ای برادر و خواهرهای من ؛ شما همیشه بایستی دنبال نشانه هایی از خدا در زندگی تان باشید تا سرچشمه های امید را پیدا کنید. و در ان لحظه ای که شما ان را یافتید می توانید باعث تسلی و دلگرمی دادن بقیه افراد شوید. چرا که انسان های تسلی دهنده همانند چراغ های روشنی در شب تاریک هستند.

ما هر روزه با انسان هایی برخورد می کنیم که از طریق داستان های زندگی شان برایمان نمادی از امید و دلگرمی شده اند که بیتردید یکی از این انسان ها آقای دیتریش بون هوفر می باشد که با وجود کشتار جنگ جهانی دوم و همچنین مرگ زودرسی که در انتظار اوست او اینچنین می سراید:

ما توسط دست های نیرومندی نجات یافتیم،

ما با صبوری منتظر آمدن ان خوب خوبان هستیم

و خدا همیشه در هر روز ، چه صبحگاه و چه شامگاه در کنار ما است.

آمین